

امروز، ۴۳ سال از انقلاب دینی و مردمی ایران اسلامی می گذرد. انقلابی که به کمک خدای متعال و تلاش و خون های پاک جوانان این خاک به پیروزی رسید. وَاِلاَ پس از ۴۳ سال، با همه فراز و نشیب ها و فتنه هایی که پیش رویش بوده به ما رسیده، که ما هم همانند جوانان اول انقلاب یا قبل از انقلاب باید تنها دارایی خود، یعنی جانمان را در دست گرفته تا هر زمانیکه لازم شد، برای حفظ این انقلاب پاک و این نظام مقدس جمهوری اسلامی فدا کنیم. درست است که این انقلاب و این نظام مردم سالار دینی در بعضی موارد ضعف داشته، که این ضعف هم به خاطر دشمنان خارجی و دشمنان دوست نما و دوستان داخلی بوده است که این ضعف هایی که در انقلاب و نظام مشاهده می کنیم، بیشتر ناشی از دشمنی و عملکرد بد و غیرقابل دفاع دوستان بوده و ضربه ای که دشمنان دوست نما و دوستان بد زدند، به مراتب مهلک تر و کاری تر از ضربات استکبار و نظام سرمایه داری و لیبرال بوده، ولی با همه این تفاسیر، حفظ این نظام که توسط آن پس از ۱۴۰۰ سال، حکومتی اسلامی و شیعی بر مبنای ولایت مطلقه فقیه تشکیل شده، از حفظ جان امام زمان(عج) هم واجب تر است و بنا بر گفته امام خمینی(ره) که می فرمایند اگر این انقلاب خدایی نکرده زمین بخورد، شاید ظهور حضرت حجت(عج) به همین مقدار که به تاخیر افتاده هست، عقب بی افتاد.
بله، به این دلیل هست که باید جانمان را کف دستمان گرفته و برای حفظ این نظام جان هایمان بدهیم، همان طور که بزرگترها و پیرهای ما جان خود را هزینه کردند تا خدایی نکرده خدشه و ضربه این نظام و انقلاب اسلامی وارد نشود، اگر خواهان ظهور حضرت حجت بن الحسن(عج) هستیم.

منابع

یکی از عناصر محوری در جریان شکل گیری انقلاب اسلامی و پیروزی آن و همچنین در تداوم آن جوانان بوده اند و نقش جوانان در شکل گیری انقلاب اسلامی و پس از آن در تداوم و پیگیری اهداف و ارزش های آن قابل انکار نیست. در این میان یکی از تشکیلات هایی که با سازماندهی جوانان نقش بزرگی را در این زمینه ایفا می کردند، تشکلات دانشجویی بود. همسو بودن دانشجویان با تحولات جامعه ایران و حضور آنان در اکثر مراکز آموزش عالی به خصوص در سال های آخر عمر حکومت پهلوی، ما را به نقش و جایگاه دانشجویان رهنمون می سازد.

آنچنان که در اسناد وجود دارد، اوج فعالیت های مذهبی دانشجویان طی سالهای ۱۳۵۲-۱۳۵۶ بود، یعنی در شرایطی که حکومت پهلوی سعی داشت دانشگاه را به محیطی فاقد انگیزه های مذهبی و اجتماعی تبدیل کند.

در این دوران دانشجویان با تشکیل انجمن های اسلامی و ایجاد کتابخانه های اسلامی، سعی در ترویج هر چه بیشتر اندیشه های مذهبی در دانشگاه داشتند. به عنوان نمونه،

پیشینه

در سال ۱۳۵۲ گرایش به اندیشه های مذهبی در دانشکده علوم به طور چشمگیری افزایش یافت و استفاده از آثار شهید مطهری و دکتر شریعتی به عنوان هدایت کننده خط فکری دانشجویان، موجب تشکیل هسته فکری منسجمی در آن دانشکده گردید. رشد روز افزون گرایش به کتابهای مذهبی در دانشگاه ها به گونه ای بود که رژیم مجبور شد در شهریور ۱۳۵۶ تمامی کتابخانه های اسلامی دانشکده ها را در دانشگاه تهران تعطیل کند.

دانشجویان و تشکل های دانشجویی با روحانیت و حضرت امام(ره) با وجود فعالیت گروه های مختلف چپ و راست و پیوستن به صف مبارزات مردمی، نشان از درک و آگاهی بالای دانشجویان از روند مبارزات داشت. امام(ره) فرمودند: جوانان دانشگاهی بودند که با قیام خود، رژیم منحوس پهلوی را به عقب نشاندند و دست مفتخواران را قطع نمودند.

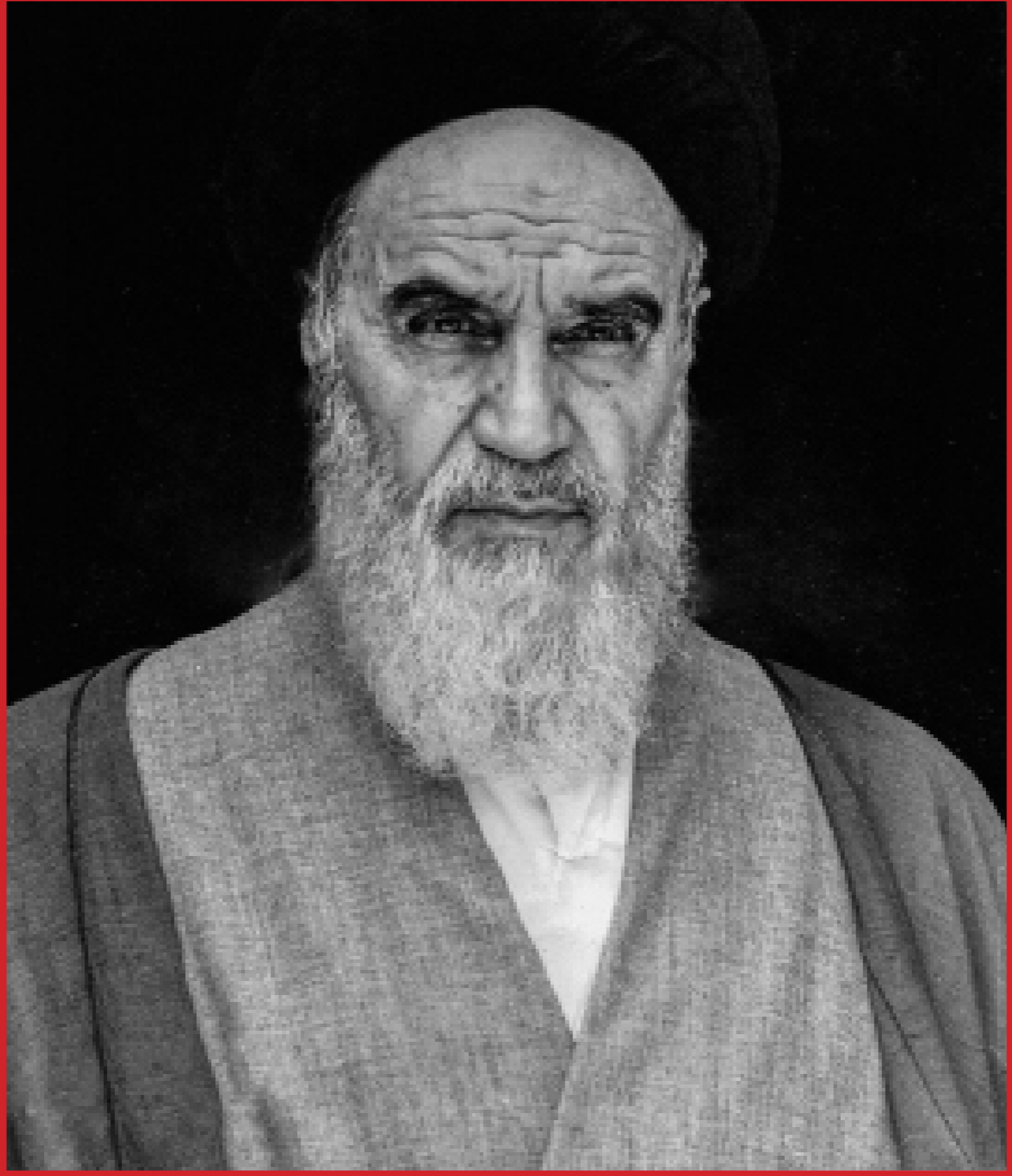
پس دانشجوی انقلابی و مؤمن، همه جا بود و در همه عرصه ها حضور داشت. خون دانشجویان با خون اقشار دیگر، به هم آمیخت.

فریاد دانشجویان با فریاد ملت یکی شد. در

مبارزه

جهاد سازندگی و محرومیت زدایی و رونق بخشی به روستاها، مقابله با گروه های چپ و مارکسیستی و گروهک های ضد انقلاب، حضور در جبهه ها و دفاع مقدس و دفع تجاوز بیگانگان، تسخیر لانه جاسوسی و برافراشتن پرچم مبارزه با سلطه آمریکا، افشای چهره های وابسته به غرب و مهره های پیدا و پنهان فراماسونری و بهایی و نفوذی و در عرصه هنر و ادبیات و…، هر جا که لازم بود، دانشجوی ما حضوری فعال داشت. دانشجویان شهید، آزاده، اسیر و جانباز، گواهی بر دفاع جانانه دانشجویان از آرمان های انقلاب و استقلال کشور و پایبندی به بیعتی بود که با امام(ره) و انقلاب داشتند.

در حقیقت، تحقق آرمان‌های والای انقلاب اسلامی بدون نیرو و انگیزهٔ جوانی، قدرت فکری و بدنی و نشاط، روحیه و خط شکنی‌ها که در جوان‌ها به عنوان خصیصهٔ شاخص وجود دارد، تقریباً سخت و یا حتی غیرممکن می‌نمایاند. از این رو جنبش دانشجویی مسلمان مورد نظر امامین انقلاب شکل گرفته و با مسئولیت‌های مهمی از جمله متولی امر «گفتمان‌سازی» و «تصمیم‌سازی» عملی در سطح کشور و



جنبش دانشجویی؛ موتور محرکهٔ کشور

حرکت انقلابی ملت ایران، به عنوان پیشران حرکت و موتور محرکهٔ کشور در گام دوم انقلاب مورد عنایت بیشتر رهبر معظم انقلاب قرار گرفت.

جنبش‌های دانشجویی اسلامی همیشه با تراکم قدرت و انگیزه، خلاقیت و شجاعت جوانی محل اثر بزرگ و عبور موفقیت آمیز و سهل الوصول از پیچ‌های بزرگ تاریخی در کشور و انقلاب اسلامی بودند.

اینک در گام دوم انقلاب، جوان دانشجو و دانشجوی جوان مسلمان، با انگیزه، قدرت و جسارت فزون تری برای ادامهٔ راه روشن اسلاف خود، با قدرت بیان و تبیین دستاوردهای شگرف چهار دههٔ گذشته همراه با خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی و به کار گیری همت بلند و هوشیاری و ابتکار عمل و با بهره گیری از تجربه‌های گرانسنگ و عبرت‌های گذشته و بهره مندی از تمامی ظرفیت‌های معطل مانده، خواهد توانست جهش بزرگی به سمت افق‌های نوین و «ایجاد تمدن نوین اسلامی» و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی «ارواح‌نفاذه» راسخ و استوار گام‌های بزرگی بردارد.

امت دولت ساز

بر اساس بیانیهٔ گام دوم، کاَنه باید یک مجموعه‌ای به‌عنوان اَمّت وسط پیدا شوند که وظیفهٔ دولت سازی اسلامی را به عهده گیرند. این قشر دولت ساز همان نسل جوان اخلاقی، بصیر، انقلابی، متخصص، بامهارت و جهادی است که در متن انقلاب اسلامی روییده است و می‌تواند موتور محرکهٔ انقلاب اسلامی برای حرکت رو به‌پیش باشد. اساساً ادامهٔ هر انقلابی، به‌خصوص انقلاب ما، منوط به این است که در درون آن، یک نیروی محرکه‌ای متناسب با مقیاس انقلاب تولید شود، وَاِلاَ آن انقلاب افول می‌کند.

امروز نسلی با تفکر تمدّنی پا به میدان گذاشته است که معنی تمدّن اسلامی و میدان درگیری تمدنی را می‌فهمد و می‌شناسد. نگاه این نسل، ایدهٔ «دین حداقلی» نیست و دین را صرفاً یک فرهنگ نمی‌داند، بلکه معتقد است که دین می‌تواند دولت، جامعه و تمدّن جدیدی بسازد. این مجموعهٔ جوان، که آن‌ها را اَمّت وسط می‌دانیم، باید به سمت دولت سازی اسلامی حرکت کنند تا زمینهٔ ساخت «جامعهٔ اسلامی» فراهم شود.

به‌عبارت‌دیگر، ارتباط بین «ولی جامعه» با «اعضای جامعه و توده‌های مردمی» به‌صورت مستقیم نیست. درست است که توده‌ها باید همراهی کنند، اما سؤال این ایست که آن‌ها چگونه باید همراهی کنند؟ مثلاً آن‌ها خانه‌ها و شهرها را چگونه بسازند که بر اساس اسلام باشد؟ نظریهٔ «دین حداقلی» می‌گوید «مردم روش خانه‌سازی‌شان را باید از دانش مدرن یاد بگیرند و دانشمندان اروپایی بیایند و معماری و بهداشت عمومی و شهرسازی را به آن‌ها یاد دهند؛ رهبر جامعهٔ اسلامی هم فقط بگوید نماز هم بخوانید و دروغ هم نگویید!» ولی نظریهٔ دین حداکثر و تفکر تمدّنی می‌گوید «تمدّن اسلامی ژاپن اسلامی نیست؛ نه ژاپن، اسلامی می‌شود نه اسلام، ژاپنی می‌شود؛ چنانچه ما مدل شهرسازی و مدل‌های دیگر را از غربی‌ها یاد بگیریم و سپس آن را با اخلاق اسلامی ترکیب کنیم تمدن اسلامی شکل نمی‌گیرد؛ باید همهٔ عرصه‌ها تحت تأثیر فرهنگ اسلام باشد و بر اساس فرهنگ و ادبیات اسلامی و مناسبات ملی، بومی‌سازی شوند.»

مردم انقلابی ما در آنجایی که باید به‌صورت مستقیم به سخنان نظام و رهبری عمل کنند، حقیقتاً عمل می‌کنند؛ اما آنجایی که ایده اقتصاد مقاومتی باید به مدل اقتصادی تبدیل شود، نمی‌توانیم از مردم توقع چندانی داشته باشیم و به آن‌ها انتقاد کنیم؛ چون مردم می‌گویند ما از این چیزها سر در نمی‌آوریم، شما بگویید چه‌کار کنیم! چه کسی باید این وظیفه را بر عهده بگیرد؟ فرضاً چه کسی باید کالای ملی را به کالای ملی قابل‌رقابت تبدیل کند تا مردم هم تبعیت کنند و کالای ملی مصرف کنند؟ تبدیل‌شدن این ایده‌ها به برنامه‌هایی که مردم با آن هماهنگ شوند، کار این اَمّت وسط است. تا وقتی‌که این اتفاق نیفتد جامعهٔ اسلامی شکل نمی‌گیرد. اگر این کار انجام نگیرد، نمی‌توان از جامعه توقع داشت که در موضوعات تخصصی هم تبعیت کند! اگر اَمّت وسط آن ایده‌های اسلامی را به برنامه تبدیل کند و نهادها و الزاماتش را هم بسازد، می‌توان از عموم مردم انتظار داشت که در آن چارچوب عمل کنند؛ ولی وقتی اَمّت وسط کار خودش را انجام ندهد، نمی‌توانید به مردم بگویید که شما در این زمینه‌ها تخلف کرده‌اید! چراکه عرصه‌های تخصصی برای آن‌ها چندان روشن نیست.

پس اگر بخواهیم ولایت ولی‌فقیه به سطح جامعه بیاید و امتی بر محور امام مسلمین شکل بگیرد و ولایت حقه در همهٔ عرصه‌های زندگی (عرصهٔ خوراک، پوشاک، مسکن، ازدواج، اشتغال، تحصیل، تفریح و…) جریان یابد و دین در این ساحت‌ها حاضر باشد، باید با همت نسل جوان انقلابی، ساختارها و مفاهیم اسلامی شکل بگیرد. این نسل باید با تمسک به بیانیهٔ گام دوم، تفکر اسلامی و انقلابی را به سبک زندگی تبدیل کند و اگر چنین شد آن‌وقت است که توده‌های مردم و اَمّت اسلامی در این سبک زندگی، زندگی می‌کنند. نقش مردم این است که وقتی آن ایده به سبک زندگی تبدیل شد، بپذیرند و همراهی کنند و در آن چارچوب حرکت کنند و الا خودشان نمی‌توانند سبک زندگی را طراحی کنند. به‌عبارت‌دیگر، وقتی دولت اسلامی ساخته شود، مردم در ساحت نظامات محقق اسلامی زندگی می‌کنند و رابطهٔ بین امام و اَمّت برقرار می‌شود و جامعهٔ اسلامی شکل می‌گیرد.

(منبع: کتاب عصرجدید)

استاد آیت الله سیدمهدی میرباقری

انقلاب، اسلام، بیداری اسلامی

محمد باقر لنگرودی،مؤلف کتاب انقلاب اسلامی، در جریان سخنرانی در خرمشهر، خرداد ۱۳۵۷.

تحولات بزرگ سیاسی و اجتماعی ریشه در واقعیات تاریخی، تمدنی و فرهنگی دارند.این مساله در دنیای اسلام و خصوصاً منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به دلیل برخورداری از ساقچه تمدنی و هویت اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این منطقه علاوه بر آنکه محل تلاقی تمدنهای کهن یاسنایی و ادیان بزرگ توحیدی می‌باشد به دلیل مسائل ژئواستراتژیک، ژئوپولیتیک و ژئواکتونومیک و مساله انرژی از دیرباز کانون تحولات و توجهات قدرتهای بزرگ بوده است. آنچه امروز بپهنه وسیعی از خاورمیانه و شمال آفریقا را در بر گرفته و با عنوان بیداری اسلامی از آن یاد میشود بنا به فرمایش رهبر معظم انقلاب،حدادی، در ریشه‌های تاریخی و زمینه های اجتماعی، فرهنگی و فکری نیستند. لذا بررسی و ارائه تحلیل صحیح از رخداد‌های اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا مستلزم مطالعه دقیق تاریخ تحولات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی این منطقه خصوصاً در قرن اخیر است. برخی از اندیشمندان رخداد‌های کنونی را حاصل شکافهایی میدانند که قدمت آنها به چند قرن پیش باز میگردد.

با توجه به مباحث فوق به نظر می‌رسد از میان رویکردهای سیاسی موجود، رهیافت «سازهانگاری» از قابلیت بیشتری برای تحلیل و تبیین تحولات منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا برخوردار است، چه آنکه رویکرد لیبرالیستی و رئالیستی و شتون مختلف آنها اگر چه برای تحلیل برخی از رخداد‌های جهانی مناسب به نظر می‌رسند اما به دلیل نقش برجسته مفاهیمی همچون هویت، فرهنگ، ایدئولوژی، تاریخ و تمدن و تأثیر آنها در تحولات منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا توجه ویژه رویکرد سازه نگاری به این مفاهیم، به نظر می‌رسد این روش، رهیافتی مناسب برای تحلیل صحیح رخداد‌های منطقه باشد.

ریشه‌های بیداری اسلامی از منظر مقام معظم رهبری را به چند روش میتوان مورد بررسی قرار داد؛ که از آن جمله میتوان به تقسیم‌بندی مبتنی بر عوامل سیاسی، فرهنگی،تاریخی، و…غیره اشاره کرد، همچنین می‌توان آنها را به علل و عوامل طولانی مدت (تاریخی)، میان مدت(معاصر) و کوتاه مدت(جاری) تفکیک کرد، علاوه بر این می‌توان آنها را به دو دوره عوامل ارزشی– هویتی و محیطی– تاریخی نیز تقسیم بندی کرد.

به طور کلی بیداری اسلامی به دو عامل:

۱. درون زا

۲. بیرون زا

تقسیم می‌شوند.

عوامل درونزای بیداری اسلامی

۱– ؛شکست‌الگوهای غیر ذیل علل رشد اسلام خواجه موج اسلام خواجه که از عوامل درون زای بیداری اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد با مساله شکست الگوهای غیر اسلامی و بحران هویت در میان مسلمانان خصوصاً پس از احساس تحقیر ناشی از مساله اشغال فلسطین و شکستهای پیاپی حکومتهای عرب از رژیم صهیونیستی(به عنوان عامل برون زا)ارتباط منطقی موثری دارد.

زوال فزاینده امپراطوری های اسلامی عثمانی و ایران، باعث ظهور ایدئولوژی های ناسیونالیستی رقیبی شد که هویت نژادی و زبانی داشتند، در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا سه نوع ناسیونالیسم ترکی،ایرانی و عربی به جای امت اسلامی ظهور کرد.

هر سه الگو که با اصول سکولاریسم، لائیسزم، ملی گرایی و شولتینیسم افراطی، شبه‌مارکسیسم و تفاسیر سوسیالیستی

دانشجو یک مدیر است

مصاحبه باحجت‌الاسلام والمسلمین دکتر جواد افشار نجفی مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه رازی و دانشگاه‌های استان کرمانشاه

سوال: به نظر شما وجه تمایز انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلاب‌های دیگر چیست؟ مثلاً با انقلاب فرانسه یا انقلاب اکتبر روسیه چه تفاوتی دارد که ما میگوییم چه از لحاظ فکری و مردمی و … نسبت به آن‌ها در مرتبه بالاتری قرار دارد.

پاسخ: من مطالعات دقیقی روی انقلاب‌های دیگه ندارم به همین جهت اگر بخوام مقایسه‌ای بکنم قطعاً ناقص است اما همان اندازه که به حرف‌های افراد اهل مطالعه (در این زمینه) دقت کرده‌ام، مردمی بودن در انقلاب ما محرز است. همین الان که در دهه فجر هستیم فیلم‌های آن زمان را که پخش می‌کنند، مشاهده می‌کنیم که میزان محبوبیت و ارتباط سران انقلاب با مردم چقدربروده است و اینکه مردم به پای این انقلاب چقدر جان‌فشانی کرده‌اند. این وجه تمایز خوبی می‌تواند باشد که این انقلاب، یک انقلاب صرفاً اعتقادی محض نیست که یک گروه خاص را به خودش جذب کند، اینکه صرفاً بگویم بر اساس یک بینش خاص پیش می‌رود اینگونه نیست. شعارهای انقلاب به قول مقام معظم رهبری(مدظله) در بیانیه گام دوم که ایشان آورده‌اند، شعارهای زنده و به روز واست، تاریخ انقضاء ندارد، از این جهت وقتی نگاه مشاهده می‌کنیم، این انقلاب امروز هم زنده است، یعنی حتی مخالفین نظام جمهوری اسلامی هم وقتی می‌خواهند در مورد انقلاب نظر بدهند؛ می‌گویند: پس تحقق شعارهایی که داده بودید چه شد؟ و با همان شعارها دوباره میخواهند یک انقلاب جدید را ترسیم کنند. پس تفاوت انقلاب ما با سایر انقلاب‌ها در گستردگی افراد مخاطبش، مردمی بودنش و زنده بودن شعارهایش می‌تواند باشد که با فطرت انسان‌ها کار دارد. این‌ها میتواند وجه تمایز باشد.

سوال: سوال بعدی‌اینکه نقش جامعه‌ی دانشگاهی، به خصوص دانشجو و استاد درپیشبرد انقلاب چیست؟ با توجه به اینکه اهمیت دانشجو در نظام فکری مقام معظم رهبری(مدظله) داری اهمیت خیلی زیاد است، به طوری که ایشان در طول سال چند بار با دانشجویان دیدار دارند و کلان‌ترین مسائل جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی را در آن دیدارها می‌گویند چیست.

پاسخ:خب ببینیم من با نگاه شخصی وارد موضوع می‌شوم. نگاه شخصی که می‌گویم، معنایش این می‌شودکه ممکنه چیزهایی را از قلم بنذارم، حالا دوستان دیگه‌احتمالاً کامل‌تر گفته‌اند . من در بیشش خودم اینگونه می‌بینم، مقام معظم رهبری آینده نظام رو در اختیار دانشگاه می‌بیند به چه معنا است؟ ایشان یک بیان اینگونه دارند، میگویند ببینید، حوزه‌ها عمیق ورود می‌کنند اما دیو بارده‌اند. فرد در سنتن پیری مثلا می‌تواند محصولات خوبی

از اسلام در هم آمیخته و آتاتورک، سلسله پهلوی و جمال عبدالناصر در ترکیه، ایران و مصر داعیه‌دار آن بودند در طول زمان نارسائی خود را در اداره جامعه و تحقق شعارهای خود نمایان ساخت و یکی پس از دیگری به شکست انجامید. همچنین تلاش‌هایی که در قالب سوسیالیسم انقلابی، لیبرالیسم غربی و بنیادگرایی اسلامی صورت گرفت نیز نتوانستند به الگوهایی موفق برای حکومت داری در خاورمیانه مبدل شوند.

سرانجام در طول سالهای دهه ۱۹۸۰ شیوه اسلامی به عنوان جانشینی پرقدرت و مهم جلوه گر شد، در حقیقت اسلامگرایان در تعیین چارچوب گفت‌مان سیاسی موفق شدند و ایدئولوژی های غیر مذهبی نظیر ناسیونالیسم، سوسیالیسم و لیبرالیسم دموکراتیک را از صحنه حذف نمودند، محدود کشورهای نیز که پس از شکست سوسیالیسم و ناسیونالیسم هم اکنون با الگوی ترکیبی سوسیالیسم ملی اداره میشوند، به گفته برنارد لوثین در هر آزومنی جز آزومن بقا شکست خورده‌اند ،شکست‌هایی که می‌توان از آنها به عنوان زمینه‌های رشد ، نمو و بازگشت به اندیشه های اسلامی یاد کرد.
مقام معظم رهبری درخصوص شکست الگوهای مادی و جایگزینی اسلام به جای آنها می‌فرمایند: همچنان که تحولات دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی در تعدادی از این کشورهای که در رژیم های غالباً متمایل به تفکرات و ایدئولوژی های مادی منتهی شد و به اقتضای طبیعت خود پس از چندی در دام قدرتهای استکباری و استعماری غرب گرفتار آمد، تجربه های درس آموزی هستند که سهم وافری در شکل دادن به اندیشه ی عمومی و عمق کنونی دنیای اسلام دارند.

۱-۲: احساس سرخوردگی ، تحقیر تاریخی و بازگشت به هویت اسلامی
دومین عنصری که می‌توان از آن به عنوان عامل درون‌زای بیداری اسلامی در نگاه مقام معظم رهبری یاد کرد احساس حقارتی است که به واسطه تحولات تاریخی و روندهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تاریخ معاصر خاورمیانه و شمال آفریقا بر مسلمانان تحمیل و آنان را به تامل در هویت اصلی خود و قیام برای بازگشت به دوران مجد و عظمت اسلامی خویش واداشته است.

هویت، کلیدی ترین مفهوم ثنوری سازه‌نگاری را در علوم سیاسی و روابط بین الملل تشکیل می‌دهد. سازه نگاران بر این اعتقادند که آنچه کنش‌ها و واکنش‌های ملی، منطقه ای و بین المللی را تشکیل می‌دهد هویت، فرهنگ، جامعه و روابط بین ادّهائی است، مسائلی که در رهیافتهای لیبرالیستی و رئالیستی مورد غفلت واقع شده‌اند. به عبارتی سازه نگاران هویت‌ها را عامل شکل دادن و تعریف منافع می‌دانند و معتقدندن تعاملت کنشگران به صورت بین‌الادّهائی هنجارها و نگاره های مشترکی را به وجود می‌آورند، این هنجارها قوام دهنده هویت‌ها هستند و هویت‌ها منافع کنشگران را تعریف می‌کنند.

شهید آیت الله مطهری هویت اسلامی را عامل خیزش و بیداری مسلمانان در برابر شرق و غرب می‌داند، ایشان در کتاب نهضت‌های صد ساله اخیر چنین آورده‌اند: مسلمانان پس از یک دوره فروختگی و از هم پاشیدگی ذهنی بار دیگر در جستجوی هویت اسلامی خود در برابر غرب سرمایه داری و شرق کمونیستی بر آمدند.
رهبر معظم انقلاب یکی از علل عمده قیام ملت‌های منطقه را احساس سرخوردگی و تحقیری میدانند که توسط استعمارگران و حکومت‌های دست‌نشانده بر آنها تحمیل شده است، ایشان در این باره می‌فرمایند: در طول سال‌های متمادری

نشریه دانشجویی صفیر

صاحب امتیاز، مدیرمسئول، سردبیر: محمد هادی ترکاشوند

صفحه آرا: سعید صفری حاجت آقای

پل ارتباطی در پیام رسان واتساپ:۰۹۰۵۸۰۳۱۴۰۵

آفریقا – و بزرگانی که سخن گفتند و سید جمال الدین‌ها و دیگران و دیگران، تقریباً قرن فریاد و قرن مبارزات بود، و قرن بعد، قرن تجربه است.

عوامل برون زای بیداری اسلامی:

۱-۲: انقلاب اسلامی ایران
بدون اغراق تقریباً هیچ منبع و اثری پیرامون جنبش‌های اسلامی معاصر در دنیای اسلام چه منابع فارسی و چه منابع لاتین و عربی را نمی‌توان یافت (با حد اقل نگارنده نیافته است) که در آن از تأثیر انقلاب اسلامی ایران در تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دنیای اسلام، خصوصاً منطقه عربی اسلامی سخن به میان نیامده باشد، تحولی با تأثیر گذاری عمیق که بنا به گفته یکی از پژوهشگران آنچنان آشکار است که تصور آن موجب تصدیق آن میگردد، بنا به گفته راشد الغنوشی متفکر تونسی و رهبر حزب اسلامگرا(ره) نهضه این کشور، انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی(ره) بنیادینگر تحولی بزرگ در سطح بین المللی و منطقه بوده که حق پدیده‌ای به این گستردگی را نمی‌توان با سخنانی کوتاه ادا کرد.

فهمی هویدی، متفکر مصری در این باره می‌نویسد: در منطقه یک تغییر استراتژیک رخ داده که آغازگر روند آن پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بوده است.این انقلاب نقشی اساسی را در تزریق اعتماد به نفس به مسلمانان ، فارغ از ملیت و نگرش سیاسی آنها داشته است. پیروزی انقلاب ایران برای مسلمانان جهان به معنی پیروزی اسلام بود و توانائی‌های شناخته‌نشده اسلام را برای رهبری توده‌ها برای مقابله با رژیم‌های استبدادی و استعمار خارجی روشن ساخت.

انقلاب اسلامی ایران را نباید تنها یک جریان محدود انقلابی در قالب انقلاب شیعی قلمداد کرد ،راشد الغنوشی بر این اعتقاد است که با وجود اینکه پایه‌گاه اصلی انقلاب اسلامی با مذهب تشیع شکل میدهد، ولی این انقلاب واپس‌طه به یک جریان جهانی فراگیر است که هدف آن برانگیختن روح اسلامی،بیداری امت و هدایت آن تا مرحله رهبری تمدن جهانی است.

۲-۲:استعمار و حضور قدرتهای غربی در منطقه
استعمار به همراه شتون مختلف آن، یکی از منفورترین مفاهیم در ذهن تاریخی مسلمانان از هنده، آسیای مرکزی و ایران گرفته تا شامات وامل مسلمان آفریقا را تشکیل می‌دهد. به نظر خورشید احمد، متفکر مسلمان پاکستانی، ریشه‌های رستخیز اسلامی معاصر را باید در میراث استعمار یا به عبارتی، در آثار و عوارضی که قدرتهای استعماری در جوامع اسلامی برجای گذاشته‌اند جستجو کرد .شهید مطهری نیز بیداری اسلامی را عکس‌العملی در مقابل هجوم استعمار سیاسی و اقتصادی و فرهنگی غرب عنوان داشته‌اند.

حضور گسترده نظامی غرب، خصوصاً آمریکا، در منطقه، تلاش آنها برای ترویج فرهنگ غربی در قالب طرح‌های اروپایی(برنامه سه‌پایگی اروپا، طرح پارسلون و طرح کشورهای اروپایی– مدیترانه ای) و آمریکاکل‌خاورمیانه بزرگ) برای ایجاد تغییرات بنیادین فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در خاورمیانه و شمال آفریقا و همچنین حمایت گسترده از رژیم‌های غربگرای این مناطق در ذهنیت مسلمانان احساس نوعی تحقیر همراه با تلاش برای کسب هویت اسلامی و ایجاد جامعه‌ای عاری از نفوذ و سیطره غرب ایجاد کرده است که در قالب جنبشهای اسلامی، ضد غربی و ضد حکومت‌های غربگرا آشکار میشود.

جستارهای تاریخی نشان داده است که حضور قدرتهای استعماری شرق و غرب در منطقه با گسترش و نوع حرکتها

همکاران این شماره:

علی پرویزیان

بهمن ماه سال ۱۴۰۰، شماره۷

و جنبشهای اسلامی رابطه مثبت دارد. این ترتیب که هرچه حضور قدرتهای مداخله گر در منطقه بیشتر باشد شکل گیری، دوام و استمرار گروه های اسلامی نیز بیشتر و عمیقتر میشود، به همین ترتیب حضور نظامی موجب تشکیل گروه های اسلامگرای مسلحانه و حضور فرهنگی غرب و شرق در مناطق اسلامی موجبات نزج و شکل گیری جریانهای فکری و فرهنگی را فراهم می‌آورد.

۲-۲: بحران فلسطین
فلسطین، یکی از عناصر تشکیل دهنده هویت مسلمانان در خاورمیانه است، پس زمینه منفی مسلمانان از بهبودیان، نحوه ظالمانه شکل گیری رژیم صهیونیستی، رفتار تجاوزگراانه آن، ایدئولوژی افراط گرایانه صهیونیسم و بی بردن به اهداف غربی‌ها از تأسیس چنین رژیمی در همسایگی آنها موجب شده است تا زمانی که راه حلی عادلانه برای مساله فلسطین به اجرا در نیامده است، این موضوع همچنان یکی از ریشه‌ها و انجزده‌های بیداری اسلامی و گرایش به اسلام گرایی است.

۲-۴: وجود حکومت‌های فاسد، غربگرا و غیر مردمی
تأسیس و حمایت همه جانبه از حکومت‌های دست‌نشانده در تاریخ معاصر اسلام از سوی قدرتهای استعماری دارای سابقه مشخصی است، پس از جنگ جهانی دوم و به دنبال آن فروپاشی امپراطوری عثمانی، دولت‌های انگلستان و فرانسه سعی در تقسیم قلمرو از هم پاشیده عثمانی نموده و تلاش کردند‌می‌هره‌های دست‌نشانده خود را در این منطقه حیاتی به قدرت برسانند که بسیاری از حکومت‌های امروزی از عربستان سعودی گرفته تا دولت هاشمی اردن و بسیاری از سرزمین های شمال آفریقا از جمله آن کشورها محسوب می‌گردند.

بیداری اسلامی عنوانی است که بنا به دلایل فرهنگی، تمدنی، هویتی، اجتماعی و دینی به حوادثی که منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا را دستخوش تحولات و دگرگونی های گسترده ای کرده و ابعاد آن به صورت روز افزون در حال گسترش است اطلاق میگردد.

تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا مانند تمامی تحولات بزرگ سیاسی و اجتماعی ریشه در وقایع تاریخی، تمدنی، فرهنگی و هویتی دارد.

در متن حاضر ریشه‌های تحولات منطقه را در دو گروه عمده عوامل درون زا یعنی عواملی که با فرد انسانی، خود و ناخودآگاه انسان مسلمان در ارتباط بوده، طی فرایندی از نسلهای گذشته به وی منتقل شده است و از انباشت اندیشه‌ها، خاطرات تاریخی، هویت‌ها و آرمانها تشکیل میشود و عوامل برونزا یعنی عواملی که از خارج از فرد و اندیشه او نشأت می‌گیرد و یک حادثه مشخص میتواند آن را ایجاد کند، از نگاه مقام معظم رهبری با روشی تحلیلی-تاریخی مورد بررسی قرار کرده. همچنین مشخص شد که برخی از عوامل همچون وقوع انقلاب اسلامی،شکست الگوهای غیر اسلامی و بحران فلسطین قابلیت بررسی ذیل هر دو گروه از عوامل درون زا و برونزا را دارند.

همچنین در این متن ضمن تبیین مفهومی بیداری اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری عواملی همچون شکست الگوهای غیر اسلامی و رشد اسلامی خواجه، احساس سرخوردگی ، تحقیر تاریخی و بازگشت به هویت اسلامی، تلاش شخصیت‌های بزرگ فکری و جهادی و جریان ساز اسلامی ذیل ریشه‌ها و عوامل درونزا و مواردی از جمله وقوع انقلاب اسلامی ایران، استعمار و حضور قدرتهای غربی در منطقه، بحران فلسطین، وجود حکومت‌های فاسد، غربگرا و غیر مردمی تحت عنوان عوامل برون زا مورد بررسی قرار گرفتند.

اگر علم در ثریا باشد، ایرانیان به آن دست پیدا میکنند

«یکی از تحفه‌های بسیار با ارزشی که این انقلاب به ما داده است، هدیه‌ای است که از جانب خدای تبارک و تعالی به ما عنایت فرموده است، همین است که دست قدرت‌های بزرگ از ارتش بریده شد و مستشار‌های آنها بیرون رانده شدند و شما الان خودتان هستید و فرماندهان خودتان.» ارتش که باید یک ارتش مستقلی باشد و غرور ارتشی اش محفوظ باشد، الان بحمد الله این مطلب حاصل است برای شما». کل تجهیزات ایران در روزهای آغازین پیروزی انقلاب اسلامی و در زمان جنگ تحمیلی ایران عبارت بودند از: چهار گردان موشک ضد‌هوایی هاوک، حدود ۲۸۱۰ تانک و نفربر، ۱۰۲۰ عراده توپ، ۱۸۰۰ توپ ضد هوایی، ۲۴۴ هلی کوپتر، ۴۴۷ هواپیمای جنگی، ازبیردربایی ۳ ، ناوشکن و ۴ ناوچه. اما اکنون که در طلیعه چهل و سومین بهار انقلاب اسلامی هستیم، با گسترش روند هوشمندسازی و خودکارسازی تجهیزات و تسلیحات نظامی ایران، علاوه بر تولید محصولات پیشرفته تر و کارآمدتر، راکت‌های هدایت‌شونده با دقت بالا و بمب‌های هواپرتاب نقطه زن و دورایستا ، پهباد‌های فوق پیشرفته، موشک‌های رادار گریز و ناو‌های جنگی نیز به محصولات سازمان صنایع دفاع افزوده شده است

شدن راه آهن، ۲۰ برابر شدن ظرفیت بنادر کشور، ۳۰ برابر شدن سدهای مخزنی کشور، ۱۴ برابر شدن تولید برق کشور و افزایش دسترسی به آب تصفیه شده و نیز توسعه صنعت گاز اشاره کرد و هم اکنون به جرات می‌توان گفت که حتی هم میهنانمان در صعب‌العوبرترین روستاهای کشور نیز هم اکنون از نعمت برخورداری از برق و گاز و مخابرات برخوردارند و یا در آینده بسیار نزدیک به آن دست پیدا می‌کنند.
از لحاظ فناوری اطلاعات نیز می‌توان به بیش از ۳۰ میلیون تعداد مشترکین تلفن ثابت و بالغ بر ده‌ها هزار دفتر ارتباطات و فناوری اطلاعات روستایی اشاره کرد.
در خصوص تولیدات ملی، افزایش صادرات غیر نفتی، تولید و مونتاژ خودرو، محصولات پتروشیمی، فولاد خام، افزایش تولید بنزین، افزایش تولید گاز مایع و به‌طور کلی افزایش نرخ اقتصادی و تولید ناخالص ملی اشاره کرد.
در این خصوص می‌توان به افزایش چندین برابری تعداد دانشجویها، تولید مقالات آی اس‌آی، پذیرش دانشجو از اطراف و اکناف جهان، گسترش زبان فارسی و جذب علاقمندان به این زبان در سراسر جهان، ساخت هواپیمای و بالگرد سبک و نیمه سنگین در جهت استفاده شخصی یا عمومی، سکو سازی، جراحی رباتیک، پرتاپ ماهوره های تحقیقاتی، تولید انواع قلیق با کاربردهای مختلف، دستیابی به پیشرفتهای چشمگیری در حوزه ژ و هوا و فضا، صنعت توریزم و تورسیم درمانی، اکوتوریسم و بسیاری موارد دیگر اشاره کرد.
و این‌ها همه فقط مشت‌ی بود نمونهٔ خروار که حقیقتا در این مجال نمی‌گنجد.
اکنون که یادآوری دستاوردهای عظیم انقلاب شکوهمندمان لیخندی از سر غرور و سربلندی بر لبان من و تو به عنوان دانشجویان این سرزمین می‌نشانند، و باعث می‌شود که ما به ایرانی بودنمان ببالیم، شرف و غیرت ایرانی بودنمان به من و تو گوشزد می‌کند که باید سهمی از این آبادانی بر عهده داشته باشیم و ما نیز این درخت شکوهمند را که شاخه‌های آن همچون تیری است که قلب دشمن را می‌شکافد و عطر دل انگیز عرق‌ها و خون‌های ریخته شده به پای آن را به مشام جهانیان می‌رساند، را با علم و دانش خود آبیاری کنیم و ورقی بر دفتر پیروزی‌های سرفرازانه وطن بیافزاییم.